

## بررسی راهکارهای توسعه و تقویت تشکلهای زنان روستایی Reviewing on Development and enforcement of rural women's enterprises

رضا موحدی<sup>۱\*</sup>، مسعود سامیان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا

### چکیده

زنان روستایی، این بخش بزرگ جامعه نقش بسیار موثر و سهم بسزایی در تولید محصولات کشاورزی، صنایع دستی روستایی و خدمات و به طور کلی در روند توسعه روستایی دارند. ایجاد و توسعه تشکلهای زنان روستایی راهکاری مناسب برای اعتلا و رشد اقتصادی و اجتماعی آنان است. تشکلهای زنان روستایی، علاوه بر بهبود شرایط اقتصادی خانوار روستایی و ارتقای سطح درآمد آنان می تواند در برقراری عدالت اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی زنان همچنین در بهبود بخش خدمات در جامعه مؤثر باشد. با توجه به اهمیت موضوع مشارکت زنان و بهره گیری از توانایی آنان، ضروری است تا برنامه ریزی برای دار و هدفمندی در این زمینه صورت پذیرد. بدون تردید برنامه ریزی در برای توسعه و گسترش تشکلهای خاص زنان روستایی می توان گامی مفید و موثری در برای افزایش حضور و مشارکت زنان در صحنه های مختلف و بهبود جایگاه و حقوق زنان باشد. در حال حاضر تشکلهای زنان روستایی به لحاظ اقتصادی و اجتماعی دارای اشکال مختلف است که به صورت رسمی و غیر رسمی فعالیت می نمایند. عمده ترین آنان

E-mail: r.movahedi@basu.ac.ir

\* رضا موحدی

تعاونی ها، صندوق های اعتبارات خرد، گروه های خود یار محلی و شبکه تولیدکنندگان خانگی می باشد. در این بررسی سعی شده است تا با استفاده از تحلیل و تفسیر کیفی نظرات مسئولان و صاحب نظران توسعه روستایی و با به کار گیری روش مصاحبه نیمه ساختارمند از درون داده های مختلف به اکتشاف راهکارها و راه حل های جدید در زمینه توسعه تشکل های زنان روستایی دست یافت. روش تحلیل داده های حاصل از مصاحبه تحلیل محتوا از نوع تلخیصی بوده است. نتایج نشان داد که برای توسعه و تقویت تشکل های زنان روستایی علاوه بر اعمال پشتیبانی های قانونی و مالی، خانوادگی، مدیریتی، آموزشی و فرهنگی، راهکارهای مختلفی از جمله فرهنگ سازی و بستر سازی، اجرای برنامه های توانمندسازی زنان، اجرای مستمر برنامه های مشاوره ای و آموزشی، تشویق و معرفی تشکل های موفق زنان لازم هستند. واژه های کلیدی: تشکل های زنان روستایی، توسعه روستایی، تعاونی ها، تحلیل محتوا

## مقدمه

دگرگون سازی نظام موجود به نفع نظامی پایدار که تغییر گسترده اقتصادی، زیستی و اجتماعی را در دستور کار قرار دهد، تنها در سایه مشارکت همه افراد جامعه عملی می شود. از این رو، هرگز نمی توان نیمی از جمعیت کشور، آن هم نیمی از توانمندی های بی پایان یعنی زنان را نادیده انگاشت (ویسی و بادسار، ۱۳۸۴). در طول تاریخ ایران، زنان همواره به عنوان نیمی از جامعه انسانی با بهره مندی از جایگاه اجتماعی- اقتصادی متفاوت ایفاگر نقش هایی پرشمار و متنوع بوده اند (نوری و غفاری، ۱۳۸۵). زنان روستایی بسیاری از نقش های اجتماعی و اقتصادی درون خانه را به خوبی نقش های اجتماعی و اقتصادی برون از خانه ایفا می کنند. اما متأسفانه سهم آنان مشخص نشده است. آنان از برنامه های توسعه روستایی محروم مانده اند و تنها امور مربوط به مراقبت از بچه ها، تغذیه و غیره به ایشان نسبت داده شده است. این مساله باعث شده تا طراحان و برنامه ریزان از قابلیت ویژه زنان روستایی غفلت نمایند (منصور آبادی و کرمی، ۱۳۸۵).

زنان باید در پی شیوه هایی برای رشد و تعالی ارزش های فکری - معنوی خود باشند. آنان می توانند با شرکت فعالانه در عرصه های مختلف، صلاحیت و شایستگی های خود را پرورش دهند و موجب تثبیت هویت خود در جامعه شوند. استفاده از فرصت ها، موقعیت ها و شرایط عادلانه و یکسان برای زنان و دختران عاملی برای ارتقای جایگاه آنان در اجتماع

است. یکی از مهم‌ترین عامل‌هایی که موجب فقر و فرودستی زنان می‌شود بی‌سوادی و ناآگاهی آنان، شرایط اجتماعی، اقتصادی و حتی بهداشتی است. داشتن سواد و استفاده از امکانات آموزشی فرصتی برای زنان پیش می‌آورد تا بتوانند با شناخت شرایط زیستی، اجتماعی خود گام‌های موثری در پیشرفت خانواده و اجتماع بردارند. آمار نشان می‌دهد هر چه زنان از تحصیلات آموزشی بالاتری داشته باشند میزان سلامت افراد جامعه بیشتر خواهد بود. (UNESCO, 2004). توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای بدون توجه به نقش موثر زنان در تولید و بازپروری امکانات امری دشوار است؛ زیرا زنان با ایفای نقش مدیریت مالی خانه، تاثیر بسزایی در اقتصاد خانواده و در سطوح بالاتر در اقتصاد جامعه دارند (سلحشور، ۱۳۸۲).

از دیرباز زنان روستاهای ایران به فعالیت‌هایی مانند بذرکاری، نشاکاری گیاهان صیفی، تنک و وجین کردن چغندر قند و پنبه، کوبیدن حبوبات و کمک در بوجاری محصولات مزرعه، جمع و جور کردن امور دامداری و خشک کردن گوشت برای مصرف در فصل سرما می‌پردازند (شهبازی، ۱۳۸۲). با این که زنان روستایی علاوه بر امور خانه‌داری، همسرمداری و تربیت فرزندان در فعالیت‌های کشاورزی نیز شرکت دارند، اما از این بابت از پایگاه اقتصادی-اجتماعی مناسبی برابر با تلاش و فعالیت‌شان به دست نمی‌آورند و نتیجه آنکه تصویر زن روستایی در کشور ما تصویری پرتلاش، قانع، بردبار و پایدار است (علائی رحمانی، ۱۳۷۴).

### زنان و توسعه روستایی

در نظریه‌های مربوط به توسعه این اعتقاد وجود دارد که همه ابعاد، مناطق و گروه‌های جامعه باید توسعه یابند. بر همین پایه صاحب‌نظران توسعه بر این باورند که توسعه همه‌جانبه از جمله توسعه روستایی بدون توجه به زنان امکان پذیر نیست. بنابراین زنان را باید به طریقی در برنامه‌های توسعه‌ای وارد و برای مشارکت در ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه "توانا" ساخت. برای تعیین جایگاه زنان در توسعه، بررسی نقش و جایگاه عمومی انسان در فرآیند توسعه، به عنوان یک پیش‌نیاز، ضروری به نظر می‌رسد.

با رواج نگرش توسعه پایدار در سال ۱۹۸۰، توجه به زنان در فرآیند توسعه انسانی وارد مرحله جدیدی شده است. طرفداران توسعه انسانی پایدار بر این باور که "توسعه انسانی پایدار" جز از رهگذر برقراری برابری بین جنسیت‌ها ناممکن است. تا هنگامی که زنان در خارج از گردونه توسعه قرار داشته باشند، توسعه همچنان ناتوان باقی خواهد ماند. توسعه پایدار، مستلزم برقراری برابر در همه ابعاد زندگی بین جنسیت‌ها می‌باشد (حسینی نیا و ملک محمدی، ۱۳۷۸).

نگرش توسعه پایدار، زنان را در مرکز تعریف‌های توسعه قرار داده و توجه به جایگاه زن در توسعه را وارد مرحله جدیدی نموده است. از سویی، سیاست‌های اجرایی تولیدات کشاورزی باید به طور پیوسته مورد بازنگری قرار گیرد، تا به گونه‌ای همه جانبه میزان مشارکت زنان روستایی در کارهای تولیدی افزوده شود. برنامه‌های ویژه توسعه با در نظر گرفتن شرایط ایمنی برای زنان روستایی باید امکانات در آمدی این قشر فعال را در حالی که قشار و دشواری کار آنان را کاهش می‌دهد، بالا ببرد. برنامه‌های دیگر پشتیبانی باید نیازهای خاص زنان و دختران روستایی را در شرایطی همه سویه مورد نظر داشته باشد، تا زنان روستای قادر باشند ضمن رعایت مراقبت‌های بهداشتی، به امنیت غذایی و تغذیه‌ای خانوار کمک کنند. علاوه بر این نکات، تجدید نظر مستمر در سیاست‌های کشاورزی به منظور پاسخگویی به نیازها و تعیین اولویت‌های احیاجات زنان روستایی از ابزارهای مشخص توسعه و فزونی تولیدات زراعی است. پروژه‌های توسعه کشاورزی اگر در چارچوب افزایش مشارکت و عضویت کامل زنان روستایی در نهادهای اجتماعی، انجمن‌های تولید گرایان و نهادهای مشارکتی روستایی طراحی شود، به طور یقین<sup>۱</sup> موجب ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی روستایی و کیفیت زندگی روستاییان و در نتیجه شهرنشینان می‌شود (توانا علمی، ۱۳۷۹).

## گسترش شکل‌های زنان

تلاش‌های انجام شده در زمینه گسترش مشارکت زنان در امور مختلف از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و پررنگ کردن نقش آنان در صحنه‌های مختلف به

ایجاد نهادهای ویژه‌ای انجامیده است. به طوری که برای مثال در ایران که یک کشور در حال توسعه است از مهم‌ترین این نهادها می‌توان به شورای فرهنگی اجتماعی زنان، کمیته ویژه زنان و نوجوانان در مجمع تشخیص مصلحت نظام مرکز مشارکت زنان در نهاد ریاست جمهوری، کمیسیون‌های استانی امور زنان، کمیسیون زنان، در مجلس شورای اسلامی و دفتر امور زنان در قوه قضاییه و همچنین چندی دیگر از نهادها که به طور غیر مستقیم برای زنان فعالیت می‌کنند مانند کمیته امداد امام خمینی (ره)، وزارت کشاورزی، نهضت سواد آموزی و غیره... اشاره کرد. با توجه به اهمیت موضوع مشارکت زنان و بهره‌گیری از توانایی آنان در برای شناسایی و رفع چالش‌ها و نارسایی‌های آنان می‌توان برنامه‌ریزی برای دار و هدفمندی را در زمینه‌های مختلف انجام داد. بدون تردید با تشکیل نهادها و تشکلهای خاص زنان به ویژه تشکلهای خاص زنان روستایی می‌توان گامی سودمند برای شکل دادن به حضور زنان در صحنه‌های مختلف و زدودن درک نادرست نسبت به جایگاه و حقوق زنان برداشت. از سوی دیگر طبق بررسی‌های انجام شده، جمعیت زنان روستایی در ایران حدود ۱۲ میلیون نفر است و طبق آمار موجود حدود ۴۲ درصد از جمعیت زنان روستایی در رده سنی جوانان ۱۵-۲۴ سال که همچنین ۱۳/۱۱ درصد در گروه سنی میان سال و بالاخره ۹/۴ درصد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار دارند (شفقی، ۱۳۸۰).

به طور کلی تشکلهای مربوط به زنان، هدفها و برنامه‌های خاصی را دنبال می‌کنند. این هدفها را می‌توان بدین شرح مطرح و عنوان کرد، تلاش برای برقراری برابری حقوق بین زنان و مردان، کسب تجربیات و اطلاعات تخصصی در زمینه حقوق زنان، تلاش برای شرکت در کنفرانسها و سمینارها، ایجاد کمیسیونهای فرعی برای طرح چالشهای مربوط به بانوان. در همین زمینه شبکه هماهنگ کننده سازمانهای غیر دولتی زنان نیز تشکیل شده است (احمدیان، ۱۳۷۸). پس تشکلهای زنان روستایی هم می‌توانند تشکلهایی محلی و خود جوش باشد که ممکن است به صورت غیر دولتی اداره شود و هم می‌تواند در غالب طرحها و پروژها باشد که سازمانهای دولتی پشتیبانی کننده آن است و در تمام مراحل اجرا و اعتبارات شرکت فعال دارد. همانطور که از پیش عنوان شد یکی از پایه‌ایترین عاملهای

توسعه روستایی، توانمند سازی و بهبود کارکرد زنان در زمینه مدیریت، تصمیم گیری و اجرا در محیط خانواده و جامعه است. اجرای سیاست‌ها و تدوین برنامه‌های راهبردی از طریق برنامه‌های آموزشی و ترویجی و اشتغال‌زایی، میزان مشارکت زنان روستایی را در تولید و اقتصاد کشور افزایش خواهد داد. انجام این امر نیز از طریق ایجاد و تقویت نهادها و تشکل‌های مردمی در مناطق روستایی انجام می‌گیرد (مافی و موسوی، ۱۳۸۳).

ویلیامسون (Williamson, 2005) بر این باور است در توسعه پایدار روستایی، هماهنگی کردن فعالیت‌ها، به صورت سازگار با طبیعت و نه در برای تخریب آن، موثر است. نواحی روستایی در کشورهای جهان سوم، با اختصاص سهم قابل توجهی از تولید ناخالص ملی، اشتغال، تامین نیازهای غذایی و نیز محل سکونت جمعیت قابل توجهی از مردم، نقش مهم و برجسته‌ای را در توسعه یک کشور بر عهده دارند، به طوری که یکی از راهبردهای مهم و موثر برای توسعه همه جانبه و خودپایدار این نواحی، استفاده از مشارکت و توانمندی‌های مردم به ویژه روستاییان برای عمران توسعه مناطق روستایی در تمام ابعاد آن است (درزی نیا و امیری، ۱۳۸۴).

بانک جهانی (World Bank, 2000) مشارکت جامعه‌های روستایی را به منظور استفاده بهینه از منابع موجود در روستا، یک راه پایه‌ای در اجرای اولویت‌های توسعه روستایی می‌داند. اسمیت (Smith, 2006) تاکید بر مشارکت اجتماعی روستایی را گامی در برای برقراری مردم‌سالاری میان سازمان‌های اجتماعی و ایجاد حس کمک به خود در میان مردم روستا می‌داند. تعهد و پافشاری این تشکل‌های محلی، دولت‌ها را بر آن داشته است که با اعتقاد به توانمندی و اثر بخشی سازمان‌های غیر دولتی و درک و نقش جایگاه آنان، بخش‌هایی از مسئولیت‌های خود را به این سازمان‌ها واگذار کنند. این سازمان‌ها با نقش واسطه‌ای خود میان مردم و دولت، جلوه‌ای از مشارکت مردمی را در حیات اجتماعی تعریف کرده اند (قلفی، ۱۳۸۴).

استنسکه (Stenseke, 2009) مشارکت روستاییان در قالب تشکل‌های روستایی را به عنوان راهبردی که وظیفه حفظ و نگهداری از ارزش‌های فرهنگی یک منطقه را بر عهده

دارد، مطرح می‌کند. در بحث مشارکت مردم و موفقیت هرچه بیشتر این تشکل‌ها در نواحی روستایی، دو نکته را باید مد نظر قرار داد: اول اینکه، باید افراد را تشویق به مشارکت کرد زیرا در توسعه نواحی روستایی، این افراد هستند که نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. دومین عامل، فراهم کردن فرصت‌هایی برای وضوح هرچه بیشتر تقاضاهای روستاییان، برای مسئولان و دست اندرکاران است، زیرا ایجاد تشکل‌های مردمی می‌تواند پل ارتباطی بین نیازهای مردم روستا و مسئولان قلمداد شود (Coelho and Favareto, 2008).

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از انواع تحقیقات کیفی است که با استفاده از راهبرد مورد پژوهی (Case study) انجام گرفته است. گزینش موارد با توجه به معیار آشنایی با موضوع و از بین متخصصان توسعه روستایی در دانشگاه و بخش اجرا در سازمان جهاد کشاورزی استان همدان صورت پذیرفت. داشتن تجربه (پولکینگ هورنه، ۱۹۸۹) و نزدیکی یا آشنایی با پدیده مورد بررسی (رتس و فان سورن، ۱۹۸۷) معیارهای اصلی گزینش موارد در پژوهش‌های کیفی به شمار می‌آیند. روش جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند انجام گرفت. به این صورت که آغاز زمینه مفهومی موضوع مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از آن چهار محور اصلی به عنوان پرسش‌های تحقیق مشخص شده و بر پایه آن پرسش‌های مصاحبه (Interview questions guide) مشخص شدند. چهار پرسش اصلی این تحقیق عبارت بودند از:

- ۱) کارکردهای تشکل‌های زنان روستایی کدامند؟
  - ۲) چه پشتیبانی‌ها، امکانات و شرایطی برای راه اندازی تشکل‌های زنان روستایی لازمند؟
  - ۳) مانع‌ها و محدودیت‌های زنان روستایی در تشکل‌های زنان روستایی کدامند؟
  - ۴) راه حل‌ها و راهکارهای تقویت و توسعه تشکل‌های زنان روستایی کدامند؟
- پس از تعیین پرسش‌های راهنمای مصاحبه، جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌های مورد نظر با انجام مصاحبه‌های فردی و در دو صورت پذیرفت. شمار نمونه‌های مورد نظر در آغاز کار

نامشخص بود ولی با آغاز مصاحبه و استفاده از شیوه گلوله برفی (Snow ball Sampling) به ترتیب سایر نمونه‌های کلیدی مشخص شد و فرایند جمع آوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری داده‌ها (Theoretical Saturation) ادامه یافت. اشباع نظری داده‌ها با انجام مصاحبه با شمار ۲۵ نفر از نمونه‌ها بدست آمده و تا همین جا فرایند مصاحبه متوقف شد. تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. برای این منظور آغاز داده‌ها به صورت مکتوب نوشته شده، سپس موضوعات به صورت مفاهیم جداگانه کدگذاری شده، خلاصه شده و در نهایت در مقوله‌های مشترک (موضوعات مشترک) گزارش شدند. با توجه به این که شمار نمونه‌ها بیشتر از ۲۰ مورد بودند بنابراین تحقیقات (DIIA 2007) می‌توان مقوله‌های مشترک را به صورت فراوانی تکرار و درصد بیان کرد. به همین خاطر در این تحقیق نیز مقوله‌های مشترک به صورت میزان تکرار و درصد گزارش شده‌اند.

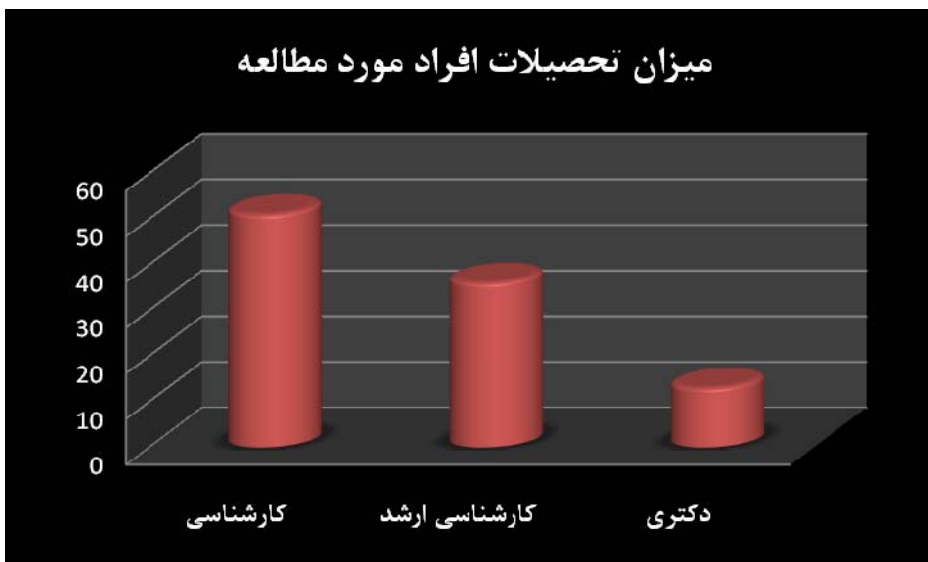
### یافته‌ها و نتایج

کارشناسان و متخصصان مورد نظر در محدوده سنی ۳۲ تا ۴۹ سال قرار دارند. میانگین سنی افراد مورد بررسی ۳۸ سال بود. جنسیت ۴۰ درصد افراد مورد بررسی زن و ۶۰ درصد افراد بررسی مرد بودند. میانگین سابقه کار افراد مورد بررسی ۸ سال بود. از نظر مدرک تحصیلی افراد مورد مصاحبه ۵۱ درصد کارشناسی، ۳۶ درصد کارشناسی ارشد و ۱۳ درصد دارای مدرک دکتری بودند (نمودار ۱ و ۲).





نمودار (۱) جنسیت افراد مورد بررسی بر حسب درصد



نمودار (۲) میزان تحصیلات افراد مورد بررسی بر حسب درصد

### کارکردهای تشکل‌های زنان روستایی

در زمینه نقش‌ها و کارکردهای مختلف تشکل‌های زنان روستایی از متخصصان مسایل توسعه روستایی مصاحبه شد و پاسخ‌های آنان جمع آوری شد. در مجموع نظرهای متنوع و مختلفی جمع آوری شد که در حین تحلیل آن‌ها مقوله‌های مشترک بنا بر جدول زیر بدست آمد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود مهم‌ترین نقش‌ها و کارکردهای توسعه تشکل‌های زنان روستایی را می‌توان در کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فردی، خانوادگی، حقوقی، آموزشی و مدیریتی تقسیم بندی نمود.

جدول (۱) کارکردهای تشکل‌های زنان روستایی

| اولویت | موضوع‌های مشترک  | فراوانی<br>(تکرار) | درصد هر یک<br>از عامل‌های به<br>صورت<br>جداگانه | درصد هر یک از<br>عامل‌های در<br>ارتباط با عامل‌های<br>دیگر |
|--------|--|--------------------|---|--|
| ۱      | کارکرد اقتصادی (توسعه کسب و کار، افزایش درآمد)                             | ۲۲                 | ۸۸  | ۱۸.۲   |
| ۲      | کارکرد اجتماعی (ایجاد اشتغال، تقویت مشارکت و روابط اجتماعی زنان)           | ۲۱                 | ۸۴  | ۱۷.۴   |
| ۳      | کارکرد فردی (افزایش اعتماد به نفس، انگیزه و خلاقیت فردی)                   | ۱۹                 | ۷۶  | ۱۵.۷   |
| ۴      | کارکرد خانوادگی (سلامت خانواده، سلامت روحی و جسمانی، رفع تبعیض)            | ۱۷                 | ۶۸  | ۱۴   |
| ۵      | کارکرد حقوقی (آشنایی با حق و حقوق زنان، قوانین مالی)                       | ۱۶                 | ۶۴  | ۱۳.۲   |
| ۶      | کارکرد آموزشی و مهارتی (آشنایی با مهارت‌های کسب و کار، دانش و اطلاعات روز) | ۱۴                 | ۵۶  | ۱۱.۶   |
| ۷      | کارکرد مدیریتی (افزایش قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی)                      | ۱۲                 | ۴۸  | ۹.۹  |

### پشتیبانی‌ها، امکانات و شرایط لازم برای راه اندازی تشکل‌های زنان روستایی

در زمینه پشتیبانی‌های لازم در زمینه راه اندازی تشکل‌های زنان روستایی از مصاحبه شونده‌ها خواسته شد تا نظرهای خود را به صورت باز بیان کنند. همان‌طور که در جدول دیده می‌شود نتایج نشان داد که پشتیبانی‌های قانونی و مالی، خانوادگی، مدیریتی، آموزشی و فرهنگی از مهم‌ترین مواردی هستند که از نظر پاسخگویان برای راه اندازی تشکل‌های زنان لازم هستند.

جدول (۲) پشتیبانی‌ها، امکانات و شرایط لازم برای راه اندازی تشکل‌های زنان روستایی

| اولویت | موضوعات مشترک  | فراوانی<br>(تکرار) | درصد هر یک<br>از عامل‌های به<br>صورت<br>جداگانه | درصد هر یک از<br>عامل‌های در ارتباط<br>با عامل‌های دیگر |
|--------|--|--------------------|---|---|
| ۱      | پشتیبانی‌های قانونی و مالی (تسهیلات بانکی)   | ۲۴                 | ۹۶  | ۲۳.۸  |
| ۲      | پشتیبانی‌های خانوادگی  | ۲۲                 | ۸۸  | ۲۱.۸  |
| ۳      | پشتیبانی‌های مدیریت و برنامه ریزی تشکل‌ها<br>(محل مناسب، زمان مناسب، تامین شرایط لازم) | ۲۱                 | ۸۴  | ۲۰.۸  |
| ۴      | پشتیبانی‌های آموزشی و مهارتی   | ۱۸                 | ۷۲  | ۱۷.۸  |
| ۵      | پشتیبانی‌های فرهنگی و رسانه‌ای   | ۱۶                 | ۶۴  | ۱۵.۸  |

در زیر برخی از نظرهای عنوان شده به صورت نقل قول مستقیم بیان می‌شود.  
با توجه به نوع تشکل و زمینه فعالیت باید امکانات و تسهیلات بانکی در اختیار زنان قرار گیرد. به‌عنوان نمونه برای زنان که در پرورش قارچ شرکت می‌کنند امکانات سالن پرورش قارچ نیاز است که باید بتوانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند.

محل تشکل‌های زنان باید محیطی سالم و خانوادگی باشد که خانواده‌های زنان اجازه بدهند در آن تشکل‌ها شرکت کنند. محل تشکل طوری باید باشد زنانی که بچه دارند امکان سرکشی به بچه خود را داشته باشند، به‌عنوان مثال محلی و امکانی مانند مهد کودک برای نگهداری بچه‌های خردسال که مادران آنان بتوانند در تشکل شرکت کنند.

### راه حل‌ها و راهکارهای تقویت و توسعه تشکل‌های زنان روستایی

از پاسخگویان خواسته شد تا نظرهای خود را درباره راه حل‌ها و راهکارهای تقویت و توسعه تشکل‌های زنان روستایی بیان کنند. بعد از جمع آوری پاسخ‌ها، از راه تحلیل محتوا مقوله‌های مختلف کد گذاری و سپس در موضوع‌های مشترک بنابر جدول ۳ تقسیم بندی شدند.

جدول (۳) راه حل‌ها و راهکارهای تقویت و توسعه تشکل‌های زنان روستایی

| اولویت | موضوعات مشترک  | فراوانی<br>(تکرار) | درصد هر یک<br>از عامل‌های به<br>صورت<br>جداگانه | درصد هر یک از<br>عامل‌های در ارتباط<br>با عامل‌های دیگر |
|--------|--|--------------------|---|---|
| ۱      | فرهنگ سازی و بستر سازی مناسب (در بعد فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی)            | ۲۳                 | ۹۲  | ۳۰.۳  |
| ۲      | اجرای برنامه های توانمندسازی زنان (سیاسی، مدیریتی، اداری)                          | ۲۱                 | ۸۴  | ۲۷.۶  |
| ۳      | اجرای پیوسته برنامه‌های مشاوره ای و آموزشی (معرفی تشکل‌ها، آشنا سازی، اطلاع رسانی) | ۱۸                 | ۷۲  | ۲۳.۷  |
| ۴      | تشویق و معرفی تشکل‌های موفق  | ۱۴                 | ۵۶  | ۱۸.۴  |

### مانع‌ها و محدودیت‌های توسعه تشکل‌های زنان روستایی

در این زمینه نیز نظرهای پاسخگویان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و نتایج به دست آمده به صورت موضوع‌های مشترک در جدول شماره ۴ خلاصه شدند. برابر نتایج مانع‌های فرهنگی، فردی و خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مانع‌های توسعه تشکل‌های زنان مشخص شدند.

جدول (۴) مانع‌ها و محدودیت‌های توسعه تشکل‌های زنان روستایی

| اولویت | موضوعات مشترک  | فراوانی<br>(تکرار) | درصد هر یک<br>از عامل‌های به<br>صورت<br>جداگانه | درصد هر یک از<br>عامل‌های در ارتباط<br>با عامل‌های دیگر |
|--------|--|--------------------|---|---|
| ۱      | مانع‌های فرهنگی (باورهای غلط در نواحی روستایی، عدم آزادی)                                  | ۲۴                 | ۹۶  | ۲۷.۹  |
| ۲      | مانع‌های فردی و خانوادگی (عدم اعتماد به نفس، توانایی جسمانی، عدم اجازه خانواده به کارکردن) | ۲۲                 | ۸۸  | ۲۵.۶  |
| ۳      | مانع‌های اقتصادی (عدم دسترسی به وام و تسهیلات بانکی، عدم استقلال مالی زنان)                | ۲۱                 | ۸۴  | ۲۴.۴  |
| ۴      | مانع‌های اجتماعی (عدم پذیرش جامعه، داشتن مسئولیت‌های پرشمار)                               | ۱۹                 | ۷۶  | ۲۲.۱  |

در زیر برخی نظرهای مصاحبه شونده‌ها ذکر شده‌اند:

به نظر من نخستین مساله در مورد زنان روستایی افکار خانواده‌های آنان است، امکان دارد شوهر، برادر، یا پدر زنان و دختران مخالف فعالیت زنان باشند... دوری محل تشکل از روستای زنان، مسائل و نارسایی‌های زیادی ایجاد می‌کند و برای زنان روستایی مقدور نیست

به محلی دورتر بروند. فرهنگ و باورهای غلط در مناطق روستایی بسیار بالاست، در مناطق روستایی کردنشین به طور معمول زنهای مرفه کار نمی‌کنند و خانواده‌های آنان کار را برای زن عار می‌دانند و به طور معمول زن وقتی کار می‌کند که مجبور و فقیر باشد. من اگر وفارستری را در سال ۱۳۹۰ در یکی از روستاهای شهرستان انجام دادم گیاه دارویی کدوی تخمه کاغذی را در فاصله‌های درختان میوه کشت کردم. می‌خواستم به مردم یاد بدهم می‌شود از هر قطعه و گوشه‌ای از زمین استفاده کرد. جامعه روستایی باور نداشت که دختر ساکن منطقه شهری بتواند کار کشاورزی و عملیات کاشت، داشت و برداشت را به طور شخصی انجام بدهد. با دیدن من بیشتر وقت‌ها زنان می‌آمدند ببینند من چه کار میکنم. همه می‌دانستند به قول معروف من مهندس و فردی دانشگاه رفته و تحصیل کرده شهری هستم. برای خیلی‌ها جای تعجب داشت. خیلی‌ها فکر میکردند من باید خیلی محتاج باشم (چون به باور غلط بعضی‌ها فقط زنهای محتاج کارهای سخت انجام میدهند). کم کم خیلی‌ها تحت تاثیر من قرار گرفتند. به طوری که همسایه‌ها به تقلید من در باغشان کدوی حلوایی، آویشن، فلفل، بادمجان کشت کردند. به نظر من با حرف زدن و دست روی دست گذاشتن در حوزه کشاورزی نمی‌توان کاری از پیش برد. باید عملی کار کرد تا دیگران یاد بگیرند. کشاورزان فقط چیزهای را که می‌بینند باور می‌کنند. مطالبی که عنوان شد نتیجه هشت سال کار در محیط روستاست (نسرین افتخاری نسب).

## نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج نشان می‌دهد که تشکل‌های زنان روستایی دارای نقش‌ها و کارکردهای متنوع و مختلفی است که در راستای توسعه روستایی قابل توجه و اهمیت هستند از جمله مهم‌ترین این نقش‌ها و کارکردها که در این تحقیق به دست آمد عبارت بودند از: کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فردی، خانوادگی، حقوقی، آموزشی و مدیریتی.

نتایج همچنین بیانگر این نکته است که برای توسعه و تقویت تشکل‌های زنان روستایی علاوه بر اعمال پشتیبانی‌های قانونی و مالی، خانوادگی، مدیریتی، آموزشی و فرهنگی، راهکارهای مختلفی از جمله فرهنگ سازی و بستر سازی، اجرای برنامه‌های توانمندسازی زنان، اجرای مستمر برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی، تشویق و معرفی تشکل‌های موفق زنان لازم هستند.

از مانع‌ها و محدودیت‌های عمده و مهم زنان روستایی در ایجاد این تشکل‌ها میتوان به موارد زیر اشاره کرد: مانع‌های فرهنگی به خصوص وجود تفکرهای قالبی و به ویژه در نواحی روستایی، نداشتن آگاهی‌ها و ضعف زنان در آموزش و بی سوادگی، کم سوادگی آنان، مانع‌های اقتصادی و به خصوص ضعف بنیه مالی و وابستگی اقتصادی زنان روستایی به مردان و مانع‌های اجتماعی اشاره کرد.

بنابراین می‌توان گفت حضور و مشارکت زنان روستایی در پیشبرد فعالیت‌های مختلف توسعه روستایی و کشاورزی امری ضروری و حیاتی است. به گونه‌ای که بدون مشارکت زنان، رسیدن به توسعه روستایی امری ناممکن است. همچنین تشکل‌های روستایی به عنوان عامل‌های پشتیبانی کننده و همراهی کننده و برانگیزاننده می‌توانند نقش مهمی در توانمند کردن زنان روستایی داشته باشند. به همین خاطر ضروری است با اعمال سیاست‌های پشتیبانی، قانونی و مالی شرایط لازم برای تقویت و توسعه این تشکل‌ها فراهم شده و با توسعه تشکل‌های زنان روستایی، مراحل رسیدن به اعتماد به نفس و توانمند سازی زنان را هموارتر نمود.

## منابع

۱. احمدیان، م. (مرداد ۱۳۷۸). تشکلهای و انجمنهای زنان زمینه ساز توسعه اجتماعی \_ فرهنگی. نشاط، ۱۳/۵/۱۳۷۸.
۲. توانا علمی، ف. (مرداد ۱۳۷۹). از شالیزارهای برنج تا پای دار. خراسان، شماره ۱۰۲.
۴. جعفر زاده، ف. (۱۳۸۰). کلمه ای برای زمان ها: توانا سازی در گفتار و عمل. پیام زن. آذرماه ۱۳۸۰.
۵. درزی نیا، م. و امیری، ز. (۱۳۸۴). بررسی نقش و جایگاه سازمانهای مردم نهاد در توسعه روستا. قابل دسترس در [http:// socialgyoofiran.cm](http://socialgyoofiran.cm)
۶. سلحشور، م. (۱۳۸۲). توانا سازی زنان. ماهنامه دهیاری، شماره ۳۳.
۷. شفقی، م. (۱۳۸۰). برای استفاده بهینه از تواناییهای زنان باید برنامه ریزی های همه جانبه صورت گیرد. مجله ایران دخت. شهریور ۱۳۸۰.
۸. شهبازی، الف. (۱۳۸۲). روستازادگان دانشمند. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی هنری شقایق روستا.
۹. علائی رحمانی، ف. (۱۳۷۴). بررسی نقش پنهان زنان روستایی در توسعه اقتصادی کشور. مجموعه مقالات دومین سمینار سیمای زن در جامعه. تهران: دانشگاه الزهرا.
۱۰. قلفی، م. (۱۳۸۴). رویکرد شبکه سازی در سازمانهای غیر دواتی. ماهنامه صالحین روستا، شماره ۲۶۶.
۱۱. مافی، ف. و موسوی، ف. (۱۳۸۳). روزنه ای به تلاشی سبز. دفتر امور زنان جهاد کشاورزی.
۱۲. حسینی نیا، غ. و ملک محمدی، الف. (۱۳۷۸). بررسی نگرش زنان روستایی نسبت به فعالیت های کشاورزی، دامداری، صنایع غذایی، محیط روستا و برنامه های آموزشی ترویجی. مجله جهاد. سال نوزدهم، شماره ۲۲۰-۲۲۱.
۱۳. منصور آبادی، الف. و کرمی، ع. (۱۳۸۵). پیامدهای توسعه بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی: بررسی موردی در استان فارس. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. سال بیست و چهارم، شماره دوم (پیاپی ۴۷)، صص ۱۰۷-۱۲۸.
۱۴. نوری، ه. و غفاری، ر. (۱۳۸۵). جایگاه زنان روستایی در فرایند توسعه پایدار: بررسی موردی استان چهارمحال و بختیاری. فصلنامه روستا و توسعه. سال ۹، شماره ۳، صص ۹۸-۷۳.
۱۵. ویسی، ه. و بادسار، م. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت های روستایی: بررسی موردی در استان کردستان. فصلنامه روستا و توسعه. سال ۸، شماره ۴، صص ۴۲-۱۹.
16. Coelho, V. S. and Favareto, A. (2008). Questioning the relationship between participation and development. World Development. Vol 36, No 12, pp 214- 223.
17. Polkinghorne, D. E. (1989). Phenomenological Research Methods Experimental Phenomenological Perspectives in Psychology (Valle, R.S. and Halling, S. Eds). New York, Plenum Press.
18. UNESCO, a. (2004). What Work in Learning Programmes for Young and Adult Women? At available: [www.unesco.com](http://www.unesco.com)



19. Wretz, F.J. and Van Zuuren F.J. (1987). Qualitative Research Educational Considerations: Advances in Qualitative Psychology, Themes and Variations. North America, Berwyn.